



امام خمینی

و

فلسفه

دکتر نجفقلی حبیبی

(عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی
دانشکده الهیات دانشگاه تهران)

حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - به عنوان فقیه و اصولی و عارف شهره آفاق است و آثاری ارزشمند با نظرات خاص از او باقی است و به خصوص آثار گوناگون عرفانی او - که خود یک عارف واصل بود - از حلاوت خاصی برخوردار است و تشنگان وادی معرفت را سیراب می کند. براساس قرائنی ایشان در فلسفه نیز استاد و صاحب نظر بوده است، اما این وجه علمی وی در فروغ عرفان او پنهان مانده است. علت این پنهان ماندگی احتمالاً به چند جهت است:

یکی آن که حواشی او بر اسفار ملاصدرا مفقود شده است و شاید آثار مستقل فلسفی نیز داشته اند که مفقود شده است.

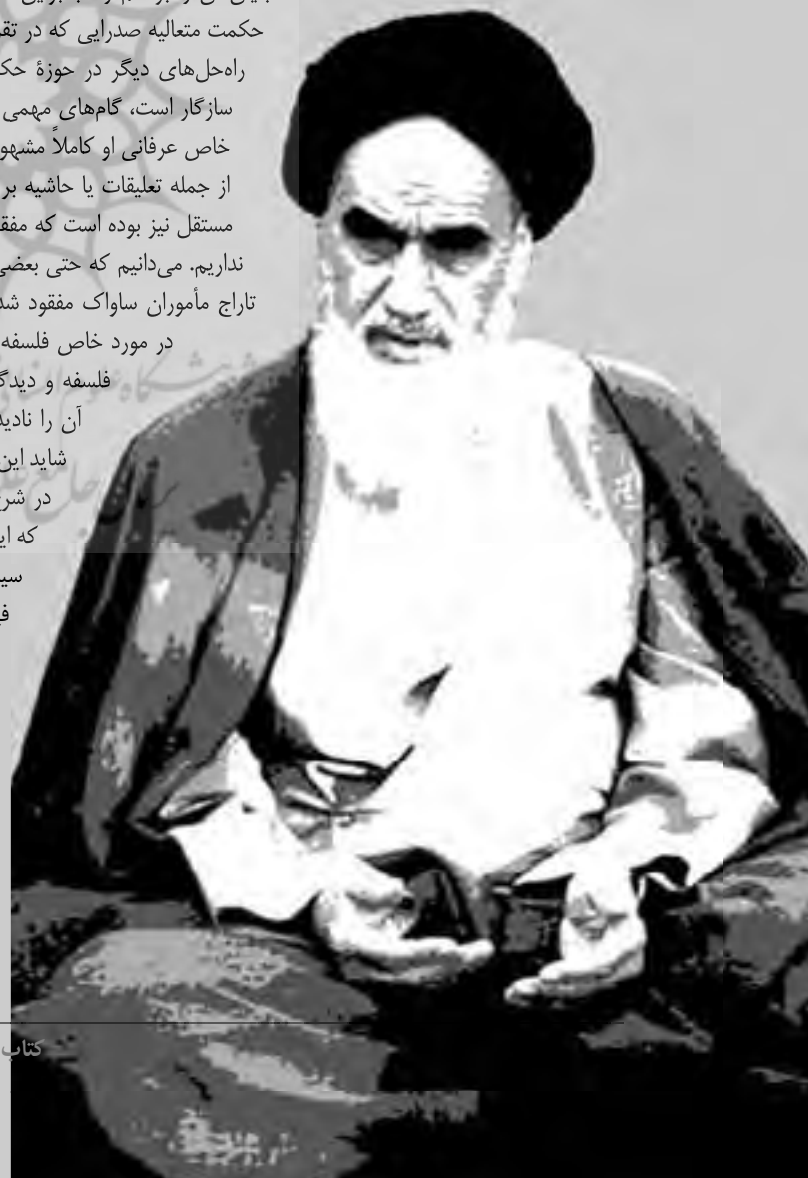
دیگر اینکه ایشان را باید از فیلسوفان حوزه حکمت متعالیه صدراپی دانست که کلامشان رنگ عرفانی دارد و می دانیم که بسیاری از مباحث فلسفی مکتب حکمت متعالیه با بیان عرفانی ظهور یافته است و بنابراین ناموجه نیست اگر گفته شود برای اطلاع یا فهم دیدگاههای فلسفی این قبیل بزرگان باید آثار عرفانی آنان را جستجو کرد. چه آنان در مواضع متعدد برای حل معضلات فلسفی به راه حل عرفانی روی آورده اند. این احتمال در مورد حضرت امام خمینی از یک قوتی برخوردار است. یکی از شاگردان برجسته ایشان مرحوم استاد دکتر مهدی حائری یزدی - رحمه الله علیه - در یک مصاحبه ای ضمن شرح چگونگی تحصیل فلسفه در محضر حضرت امام خمینی با تذکر این مطلب که «چون آن وقت، این چیزها در حوزه تعلیم و تعلمش رسماً رایج نبود، آقای خمینی خصوصاً و اختصاصاً در منزل خودشان به من درس می دادند و گاهی هم در مدرسه دارالشفا. بنده یک دوره کامل منظومه پیش ایشان خواندم... آقای خمینی می گفتند اسفار را نخوانده اند، اما آن را با میرزا خلیل کمره ای مباحثه کرده اند...»

ایشان علاقه‌ای به فلاسفه مشاء و منطقی نداشت. درس اسفار ایشان بیشتر جاذبه عرفان داشت. عرفان هم پیش آقای شاه‌آبادی به خوبی خوانده بودند و دائماً هم مشغول مطالعه کتب ابن عربی و غیره بودند. لذا به اسفار هم از نظر ابن عربی نگاه می‌کردند، نه از نظر ابن سینا و فارابی. به کلمات ابن سینا و فارابی که می‌رسیدند، به کلی ناراحت می‌شدند و با توان سرشار عرفانی از تنگناهای فلسفه خارج می‌شدند. روزی که من ایرادی اظهار کردم، ایشان در جواب گفتند: شما باید از این گونه سخنان ابن سینا استبراء شوید. باری بعد از تمام شدن منظومه با دو سه نفر از رفقا... پیش آقای خمینی اسفار را شروع کردیم؛ ده سال طول کشید که اسفار را خواندیم.^۱ چنان‌که ملاحظه شد مرحوم استاد مهدی حائری تصریح کرده است که حضرت امام خمینی از طریق عرفان از تنگناهای فلسفه خارج می‌شده است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز که از شاگردان برجسته حضرت امام است و بر آن تصریح کرده است^۲ در چندین مورد در ریحی مختوم نظرات حضرت امام را با ذوق عرفانی نقل کرده است.^۳

جهت دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که معمولاً فیلسوفان یک حلقه فکری در همان حوزه فلسفی به شرح و نقد و توضیح و تکمیل براهین و یا پاسخ به نقدها می‌پردازند و چنان نیست که با ارائه نظرات خاص بنیان آن مکتب را برهم بریزند، مثلاً در حوزه حکمت صدرایی بزرگانی چون آقای علی حکیم، ملاعبدالله زوزی، میرزاهاشم اشکوری، حاج ملاحادی سبزواری، مرحوم حاج سیدابوالحسن قزوینی و مرحوم علامه طباطبایی و امثال این بزرگان همه در حلقه مکتب صدرایی هر کدام نکاتی در تقریر و تثبیت براهین و یا نقد پاسخ‌ها و شبهات افزوده‌اند و این نحوه عمل البته متفاوت است با آنچه ملاصدرا در مورد مکتب مشاء انجام داد

که بنیان آن را بر هم زد. بنابراین امام خمینی هم یکی از بزرگان حوزه حکمت متعالیه صدرایی که در تقریر و تبیین و تکمیل براهین و یافتن راه‌حل‌های دیگر در حوزه حکمت صدرایی که با عرفان دمخور و سازگار است، گام‌های مهمی برداشته است و این تلاش‌ها در آثار خاص عرفانی او کاملاً مشهود است، اما چون آثار فلسفی ایشان و از جمله تعلیقات یا حاشیه بر اسفار مفقود شده و شاید نوشته‌های مستقل نیز بوده است که مفقود شده است، اطلاع روشن در دست نداریم. می‌دانیم که حتی بعضی از آثار مهم ایشان در عرفان نیز در تاراج مأموران ساواک مفقود شده بود و سال‌ها بعد پیدا شد و شاید در مورد خاص فلسفه نیز چنین شود. پس داوری در مورد فلسفه و دیدگاه‌های خاص ایشان که برخی عمداً آن را نادیده می‌گیرند، چندان منطقی نیست و شاید این نحوه تلقی از آنجا پیدا شده است که در شرح حال حضرت امام گفته شده است که ایشان چهار سال از محضر مرحوم حاج سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، کسب فیض کرده است و شرح منظومه سبزواری را با استفاده از بیان شیوا و متقن ایشان خوب آموختند و بعد چنان‌که در کلام استاد حائری آمده است، در مورد اسفار نیاز به استاد ندیدند و خود مطالعه و مباحثه کردند. این امر دلیل آن نمی‌شود جایگاه علمی ایشان در فلسفه و بخصوص حکمت متعالیه نادیده گرفته شود. کافی



است علاوه بر راه‌های عرفانی که مرحوم استاد حائری یزدی اشاره کرده‌اند، به تقریرات موجود از درس ایشان در شرح منظومه سبزواری و بخش نفس اسفار به دقت نگریسته شود تا معلوم گردد که ایشان نیز در جای خود با تقریرها و تکمیل براهین و نقد و تثبیت مواضع، نکاتی تازه برگفته‌های پیشینیان افزوده‌اند.

مرحوم آیت‌الله سیدعبدالعزیز اردبیلی از شاگردان موردتوجه حضرت امام خمینی بخش‌هایی از درس‌هایی را که حضور داشته‌اند نوشته‌اند و ظاهراً مواردی را به رؤیت استاد رسانده‌اند. این تقریرات شامل درس‌هایی از شرح منظومه سبزواری و اسفار ملاصدرا است که بین سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ شمسی القا شده است. اخیراً این تقریرات در سه جلد و جمعاً در حدود ۱۷۰۰ صفحه، توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی با ذکر منابع و مأخذ منتشر شده است. جلد اول و دوم آن تقریرات درس‌های شرح منظومه است و مشتمل است بر بسیاری از مباحث امور عامه، الهیات بالمعنی الاخص، و طبیعیات. جلد اول خاص مباحث امور عامه است که البته فاقد بعضی از قسمت‌ها است و جلد دوم از الهیات خاص آغاز می‌شود و با فریده ششم در احوال نفس پایان می‌یابد. چنان که گفته شد این تقریرات شامل همه مباحث نیست و این کمبود بدان سبب است که تقریرنویس بعضی قسمت‌ها را نبوده یا ننوشته است و در درس اول از جلد اول از این عبارت که: «چنان که سابقاً در ذکر قول فهلویون گذشت» به روشنی برمی‌آید که پیش از این درس که اولین درسی است که تقریرات آن در جلد اول آمده است، درس‌هایی القا شده بوده است. در این تقریرات، برخی از مباحث مختصر است، اما برخی که بیشتر مباحث را شامل می‌شود و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. به ندرت مطالب با متن شرح منظومه تطبیق داده شده است که البته در صورت انجام بر آن تصریح شده است.

القاء دروس بنا بر آنچه از این تقریرات برمی‌آید شبیه درس خارج فقه و اصول است که در حوزه‌های علمیه متداول بوده است، لذا بسیار عمیق بوده و در هر مبحث مشتمل بر طرح مسأله، اشاره به اقوال موجود و بعد نقل و ردّ برخی و تأیید و قبول برخی دیگر با بیان مستدل و جرح و تعدیل براهین می‌باشد. ملاحظه و مطالعه دقیق این تقریرات هم طلاب و دانشجویان فلسفه را که مبتدی هستند به کار آید و هم برای منتهبان در فلسفه مفید است. استاد شارح بر موضوع درس و تمامی مباحث متعلق به آن و اقوال مختلف و منابع گوناگون مسلط بوده است و این همه بر اساس چیزی است که تقریرنویس محترم نوشته است و معلوم نیست آیا نکاتی از قلم افتاده است یا نه. نکات ظریفی توسط شارح و مدرس عظیم‌الشان در لابلای مباحث مطرح شده است که از دقت در آنها و جمع‌آوری و جمع‌بندی آنها می‌توان در برخی مسائل به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی در مباحث فلسفی واقف شد و البته آنچه مسلم است این تقریرات در این سطح از عمق، نشانه تسلط مدرس و صاحب‌نظر بودن او است. در این یادداشت به همین اندازه اکتفا می‌شود تا اگر توفیقی حاصل شد با ورود به مباحث به صورت دقیق در فرصت دیگر به این موضوع پرداخته شود.

اجمالاً علاقه‌مندان برای اطلاع روشن‌تر از چگونگی تحصیل فلسفه، استادان و شاگردان حضرت امام خمینی و وضع آموزش فلسفه در سال‌های مورد بحث (بین سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۸) و نیز بررسی دقیق دیدگاه‌های فلسفی امام با توجه به جهاتی که عرض شد، به منابع زیر مراجعه کنند: مجله حضور، ش ۱، ص ۹؛ مجله حوزه، ش ۳۲؛ مجله (پژوهشنامه) متین، ش ۱، ص ۳۸۴؛ ش ۲، صص ۲۵۹-۲۵۸؛ ش ۳، ص ۳۳۸؛ ش ۷، ص ۲۵۰؛ نامه فرهنگ، ش ۱۷، صص ۱۰۴-۱۰۵؛ صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۸۳؛ شرح مقدمه قیصری بر فصوص از مرحوم استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، صص ۳۳-۳۴ و مقدمه جلد اول تقریرات فلسفه امام خمینی؛ ریحی مختوم (مواضع آن قبلاً ذکر شد)؛ آثار عرفانی امام خمینی از قبیل سرالصلوة، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، شرح دعای سحر، تفسیر سوره حمد و شرح حدیث جنود عقل و جهل، حواشی بر مصباح الأئس قونوی و فصوص ابن عربی.

و برای اطلاع از برخی از نظرات ایشان در تقریرات مراجعه شود به:

جلد دوم، ص ۸۳، ۱۳۴، ۲۸۰.

جلد سوم، ص ۷۳، ۲۱۲.

ریحی مختوم (مواضع آن قبلاً در همین نوشته ذکر شد).

پی‌نوشت:

۱. مقدمه تقریرات فلسفه امام خمینی، ص پانزده به نقل از نامه فرهنگ، ش ۱۷، صص ۱۰۴-۱۰۵.
۲. ریحی مختوم، بخش دوم از جمله دوم، ص ۱۶۱.
۳. از جمله در بخش اول جلد اول، ص ۹۶؛ بخش چهارم از جلد اول، ص ۲۸؛ بخش سوم از جلد دوم، ص ۴۳ و ۴۴۵ و بخش چهارم از جلد ششم، صص ۳۱۲-۳۱۰.